

عربستان با وجود قتل خاشقچی در کانون سیاست استراتژیک واشنگتن در خاورمیانه است

English
العربية



سفیر اسبق ایران در آلمان تاکید کرد: برای ترامپ، حتی با وجود قتل خاشقچی، عربستان سعودی در کانون سیاست استراتژیک و سیاسی واشنگتن در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

به گزارش ایلنا، متن یادداشت سیدحسین موسویان در یادداشتی در «میدل ایست آی» به شرح زیر است:

توماس فریدمن اخیراً در مقاله خود در نیویورک تایمز، با اشاره به شرطبندی روسای جمهور پیشین آمریکا، روی ایران و ترامپ روی عربستان، نوشت که هر دو رئیس جمهور در سیاست خود دچار اشتباه شده‌اند چراکه هر دو کشور بدترین واکنش‌های ممکن را نشان

دادند. فریدمن استدلال می‌کند توافق هسته‌ای ارزش شرط‌بندی را داشت اما مانند بسیاری از منتقدان توافق، ادعا می‌کند که این توافق رفتار منطقه‌ای ایران را در چهار پایتخت عربی - بغداد، دمشق، صنعا و بیروت - تغییر نداد. من معتقد هستم که او در مورد ایران اشتباه می‌کند.

در مسائل منطقه‌ای، شواهد سه دهه گذشته ثابت می‌کند که ایران هر بار به وعده‌های خود را عمل کرده در حالی که ایالات متحده هیچ‌گاه به تعهدات خود عمل نکرده است. در اواخر دهه ۸۰ میلادی، جورج بوش پدر از ایران خواست که به آزادی گروگان‌های آمریکایی و غربی در لبنان مساعدت کند و قول «حسن نیت در مقابل حسن نیت» را داد. ایران آزادی گروگان‌های آمریکایی و غربی را تسهیل کرد ولی ایالات متحده در پاسخ، فشار بر ایران را افزایش داد.

در سال ۲۰۰۱ ایالات متحده از ایران خواست که در «جنگ علیه تروریسم» در افغانستان کمک کند. ایران به درخواست آمریکا پاسخ مثبت داد و سپاه پاسداران ایران کمک‌های تعیین‌کننده به ارتش ایالات متحده کرد. علاوه بر این، ایران با پشتیبانی از دولت حامد کرزای که تحت حمایت آمریکا بود، نقش سازنده‌ای در افغانستان ایفا کرد. اما در پاسخ به کمک‌های ایران، جورج بوش پسر ایران را در لیست «محور شرارت» قرار داد. رایان کراکر، سفیر سابق ایالات متحده در افغانستان و عراق گفت: «بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر، در زمانی که مشغول به کار در وزارت امور خارجه بودم، با دیپلمات‌های ایرانی ملاقات کردم تا در مورد مراحل بعدی در افغانستان بحثی داشته باشیم، ایرانی‌ها سازنده، عملگرا و متمرکز بودند، آنها حتی یک نقشه بسیار ارزشمندی را داشتند که طرز نبرد طالبان قبل از اقدام نظامی آمریکا را نشان می‌داد ولی بعد زمانی که جورج بوش سخنانی معروف «محور شرارت» خود را در اوایل سال ۲۰۰۲ کرد، تمام این تلاش‌ها به پایان رسید. رهبران ایران به این نتیجه رسیدند که هر قدر هم با آمریکا همکاری کند، ایالات متحده همچنان خصمانه با جمهوری اسلامی برخورد خواهد کرد.»

ایران همچنان تعهدات خود در مورد توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ (برجام) را نیز انجام داد. با وجودی که یوکیا آمانو، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تایید کرد که ایران به تمام تعهدات برجامی خود عمل کرده است، ایالات متحده نه تنها این توافق را پاره کرد، بلکه از زمان خروجش از توافق تا به حال، با اجرای سیاست «فشار حداکثری»، سعی کرده ایران را تسلیم خواسته‌های خود بکند.

ترامپ در بیانیه اخیر خود، بجای اینکه به اصل موضوع یعنی عربستان سعودی و قبل جمال خاشقی بپردازد، حملات خود را مستقیماً متوجه ایران کرد و سعی کرد ایران را ریشه همه شرارت‌ها معرفی کند. آقای ترامپ باید بداند که ۱۵ نفر از ۱۹ نفر عاملان حملات تروریستی برج‌های نیویورک اتباع سعودی بودند و حتی یک ایرانی بین آنها وجود نداشت.

به هر حال در تمام این مورد تاریخی که در بالا ذکر شد، ایران قواعد بازی را کاملاً رعایت کرد و ایالات متحده قواعد بازی را زیر پا گذاشت.

همچنین لازم به یادآوری است که تمام فعالیت‌های منطقه‌ای ایران قبل از توافق هسته‌ای تثبیت شده است و نه بعد از آن. در سال ۲۰۰۳ و پس از حمله آمریکا به عراق، زمانی که مقامات آمریکایی به طور واضح خواستار حمله به ایران بودند، ایران در عراق حضور یافت. ضمناً حضور ایران در سوریه هم در خلاء صورت نگرفت.

در رابطه با عربستان، فریدمن ادعا می‌کند که ترامپ از طریق فروش ۱۱۰ میلیارد دلار اسلحه به عربستان سعودی، روی شاهزاده محمد بن سلمان حساب باز کرده تا منافع ایالات متحده در منطقه را پیش ببرد. در حالی که بن سلمان با استفاده از حمایت همه‌جانبه آمریکا و از

طریق مداخله در یمن، محاصره قطر، گروگان‌گیری نخست‌وزیر لبنان، مبارزه با فعالان راندگی زنان در عربستان و اجازه یا حتی دستور قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی، اعمال قدرتش را از دایره توانایی‌هایش فراتر برد.

اما فریدمن در مورد عربستان سعودی نیز اشتباه می‌کند زیرا جنگ‌های یمن، سوریه و لیبی هر سه با همکاری مشترک عربستان و ایالات متحده صورت گرفته است. ضمن اینکه ایالات متحده و عربستان سعودی به طور مشترک از حمله صدام به ایران و استفاده او از سلاح شیمیایی علیه شهرها و نیروهای نظامی ایران پشتیبانی کردند. علاوه بر این ایالات متحده، با آگاهی کامل، حمایت عربستان از گروه‌های افراطی منطقه را نادیده گرفت. در سال ۲۰۱۶ اوباما به مجله آتلانتیک گفت که عربستان سعودی در سطح گسترده از مدارس وهابی پشتیبانی مالی کرده و نسخه بنیادگرایانه اسلام را آموزش داده است. جنگ عربستان سعودی در یمن که با حمایت آمریکا انجام می‌شود منجر به ایجاد یکی از بدترین فجایع انسانی شده است، ضمن اینکه به تقویت و گسترش گروه‌های افراطی در منطقه و فراتر از آن دامن زده است. حتی پس از قتل فجیع جمال خاشقچی، ایالات متحده تحریم‌های شدیدی را علیه ایران اعمال کرد اما برای مجازات کردن عربستان سعودی عملاً هیچ کاری انجام نداد.

با این حال، بدون شک استراتژی اوباما با ترامپ تفاوت‌های بسیاری دارد. اوباما چند سال پیش اظهار داشت که «رقابت بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها که موجب جنگ‌های نیابتی و هرج و مرج در سوریه و عراق و یمن شده است، به ما این درس را می‌دهد که هم به دوستانمان در منطقه و هم به ایرانی‌ها یادآوری کنیم که باید راه موثری برای مشارکت در منطقه و ایجاد نوعی صلح سرد پیدا کنند.» ولی اکنون در زمان ترامپ، حتی با وجود قتل خاشقچی، عربستان سعودی در کانون سیاست استراتژیک و سیاسی واشنگتن در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

برای چندین دهه است که خاورمیانه تحت سلطه آمریکا بوده است. جنگ‌ها در منطقه از جمله در عراق، افغانستان، یمن و لیبی، سرچشمه‌های اصلی بی‌ثباتی، جنگ داخلی، درگیری فرقه‌ای و رشد تروریسم تحت رهبری داعش و القاعده هستند. خوان کول، استاد دانشگاه میشیگان گفت: «بر عکس آمریکا یا اسرائیل، ایران در تاریخ معاصر آغازگر هیچ جنگ تهاجمی نبوده است و رهبرانش به دکتترین «عدم آغاز حمله اول» اعتقاد دارند».

در حالی که غرب و منطقه نگران نقش ایران در منطقه هستند، ایران هم نگرانی‌های جدی و مشروع دارد. مسیر اعتمادسازی این است که همه طرف‌های توافق هسته‌ای ایران از جمله آمریکا به تعهدات خود احترام گذاشته تا همکاری در مدیریت صلح و ثبات در خاورمیانه امکانپذیر شود.